

پیدا کرده بود، عازم جنگ با اسکندریک و تصرف آلبانی شد. در نخستین پیکارها لشکریان عثمانی موفق به تصرف برات نشدند، ولی پس از ۸۵۲ق/۱۴۴۸م مراد دوم توانست این شهر را به تصرف درآورد. در این پیکار فرمانده سپاه اسکندریک که برای نجات وی به آنجا آمده بود، دستگیر، و کشته شد (همو، ۶۴، ۱۱۶/۲). چندی بعد در ۸۵۹ق/۱۴۵۵م که سلطان محمد فاتح بر تخت امپراتوری عثمانی تکیه داشت، اسکندریک کوشید تا برات را از تصرف ترکان خارج کند. وی مدتی شهر را در محاصره گرفت، ولی سرانجام در نتیجه فشار ترکان ناگزیر عقب نشست (همو، ۶۵-۱۱۶/۲).

برات در پایان سده ۱۰ق/۱۶م رونق پیشین را از دست داد، ولی در سده ۱۱ق/۱۷م به احیای سنتهای فرهنگی دست یافت. از آثار کهن شهر می‌توان به بقایای دژی متعلق به سده ۷ق/۱۳م اشاره کرد که شامل خانه‌های مسکونی، کلیسای مریم مقدس و لائرنی^۳ با نقش و نگارهای روی دیوار، کلیسای نیکلاس متعلق به ۹۸۶ق/۱۵۷۸م، کلیسای جامع متعلق به سده ۱۲ق/۱۸م با کنده‌کاریهای بر روی چوب و تصویرهایی از قدیسان مسیحی، زیارتگاه فرقه مذهبی هِلوت متعلق به ۱۱۹۶ق/۱۷۸۲م، پلی بر روی رود اوسومی متعلق به ۱۱۹۴ق/۱۷۸۰م و موزه آثار باستانی و هنرهای زیبای شهر است (BSE³, III/204). پس از پیروزی دولت عثمانی، آثار مذهبی اسلامی در این شهر پدید آمد. اولیا چلبی ضمن شرح انهدام برخی آثار از جمله قلعه درونی برات (آرناؤد بلغرادی)، شمار خانه‌های آن را ۴۰ تا ۵۰ باب نوشته است. وی همچنین از وجود مساجد، از جمله جامع وسیع بایزیدخان (۶۸۹/۸ - ۶۹۰)، ۷۰۰ باب دکان، حوضها، شادروانها و کویهای شهر یاد کرده است (۶۹۲/۸ - ۶۹۳). وی از جامع ملک غازی با مناره‌ای بلند و ستونهای مرمر، مدرسه، مکتب، تکیه، مسجد غازی مراد پاشا، مسجد حسین پاشا، خانقاه شیخ افندی، حجره‌های درویشان، صومعه‌ها، دو گرمابه و ۷۷ تفرجگاه اطراف شهر یاد کرده است (۶۹۳/۸ - ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۷). اولیا چلبی همچنین به وجود پل جنوبی بزرگی بر روی رود اوسومی (اوصوم بلغراد) که به فرمان سلطان سلیمان احداث شده بود، اشاره کرده است (۶۹۸/۸).

مآخذ: اولیا چلبی، سیاحت‌نامه، استانبول، ۱۹۲۸م؛ سامی، شمس‌الدین، قاموس الاعلام، استانبول، ۱۸۸۹م؛ شاو، ا.ج. و ا.ک. شاو، تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید، ترجمه محمود رمضان‌زاده، تهران، ۱۳۷۰ش؛ نیز:

BSE³; «Berat», www.albanian.com/main/countries/albania/berat; Türkiye diyanet vakfı İslam ansiklopedisi, İstanbul, 1992; Uzunçarşılı, İ.H., Osmanlı tarihi, Ankara, 1972-1983. عیانت‌الله رضا

برائا، یا بُرائنا، محله و مسجد مقدس شیعیان در بغداد قدیم. محله برائنا در بخش غربی بغداد، در منطقه کُرخ و در جنوب محله باب مُحَوِّل واقع بوده است (نک: یعقوبی، ۲۴۴؛ ابن حوقل، ۲۴۱/۱؛ یاقوت،

بروات، مصوب ۱۳۲۹ق؛ قانون تجارت، مصوب ۱۳۰۳-۱۳۰۴ش؛ قانون تجارت، مصوب ۱۳۱۱ش؛ قانون تجدید قرارداد نقره با بانک شاهنشاهی، مصوب ۱۳۲۹ق؛ قانون قبول و نکول بروات تجاری، مصوب ۱۳۲۸ق؛ قانون مدنی؛ کاتبی، حبیبی، حقوق تجارت، تهران، ۱۳۶۷ش؛ کاتوزیان، ناصر، عقود معین، تهران، ۱۳۷۸ش؛ لغت‌نامه دهخدا؛ یزدی، محمدکاظم، سؤال و جواب، به کوشش مصطفی محقق‌داماد، تهران، ۱۳۷۶ش؛ نیز:

Bills of Exchange Act, 1882; Code de commerce (France); Convention portant loi uniforme sur les lettres de change et billet à ordre, 1930, 1932; UNCITRAL Convention on International Bills of Exchange and International Promissory Notes, 1988; Speidel, R.E. and S.H. Nickles, Negotiable Instruments and Check Collection (The New Law), U.S., 1993. مصطفی محقق‌داماد

برات، ولایت و شهر مرکز آن، در جنوب بخش مرکزی آلبانی که قسمتی از اراضی آن کوهستانی است. سابقه این شهر به سده ۴ق م می‌رسد. در سده ۲ق م یونانیان این شهر را آنتی پاتریا می‌نامیدند. در عهد امپراتوری روم شرقی (بیزانس)، این شهر پولخربوبولیس نامیده شد («دائرة المعارف...»، BSE³, III/204; ۷/473). از سده ۹ق م هنگامی که صربها حکومت شهر را در دست گرفتند، آن را بلغراد نامیدند (همانجا؛ سامی، ۱۲۶۰/۲). در نوشته‌ها از چند بلغراد، از جمله بلغراد دانوب (طونا بلغرادی)، بلغراد استولنی (استولنی بلغرادی)، بلغراد اردل (اردل بلغرادی) و بلغراد آرناؤد (آرناؤد بلغرادی) یاد شده است (اولیا چلبی، ۶۸۹/۸). ترکان عثمانی ساکنان آلبانی را «آرناؤد» می‌نامیدند. از این رو، شهر مذکور «آرناؤد لُغ بلغرادی» خوانده شد (سامی، همانجا؛ اوزون چارشیلی، ۱/203). بعدها این شهر برات (براتی) نامیده شد که برگرفته از نام بلغراد است (BSE³، همانجا). شهر برات، مرکز ولایت برات در کنار رود اوسومی واقع شده که شاخه‌ای از رود سیمنی است («دائرة المعارف»، نیز BSE³، همانجا).

جمعیت شهر در ۱۹۶۷م/۱۳۴۶ش حدود ۲۴ هزار نفر بوده (همانجا) که در ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش به بیش از ۱۴۸ هزار نفر افزایش یافته است («برات^۲»، npn). ولایت برات از مراکز باغداری، تولید انگور و توتون است. صنایع شهر و ولایت شامل کاغذسازی، تهیه روغن زیتون و سیگار است. در کوچوه نزدیک شهر برات پالایشگاه نفت ساخته شده است (BSE³، همانجا).

حضور فعال دولت عثمانی در آلبانی از ۷۸۵ق/۱۳۸۳م آغاز شد (اوزون چارشیلی، همانجا). در ۷۹۸ق/۱۳۹۶م یک لشکر ترک به آلبانی حمله کرد و چند شهر از جمله برات را به تصرف درآورد (همو، ۱/204، حاشیه؛ شاو، ۷۴/۱). در ۸۴۷ق/۱۴۴۳م ژرژ کاستریتوتا، قهرمان ملی آلبانی که از سوی مراد دوم سلطان عثمانی، اسکندریک لقب یافته بود، کوشید تا لشکریان عثمانی را که چندبار شهر برات را به تصرف درآورده، و قیام مردم آن را سرکوب کرده بودند، از آنجا بیرون راند (اوزون چارشیلی، ۱/208-209). در ۸۵۱ق/۱۴۴۷م سلطان مراد دوم به تشویق حمزه‌بیک برادر زاده اسکندریک که با عمویش اختلاف

1. Türkiye... 2. «Berat» 3. Vlakherini (Vlacherni)

بلدان، ۵۳۲/۱؛ طریحی، ذیل برث). برائا معرب واژه آرامی بَرِثا به معنای «بیرونی» است (نک: فرنکل، مقدمه، ۲۰؛ لسترنج، ۱۵۶، حاشیه ۱). این محل کهن‌تر از شهر بغداد است (نک: یاقوت، همانجا) و در اصل روستایی با فاصله حدود ۳-کم از مرکز بغداد تاریخی بوده که با تأسیس و توسعه بغداد، به صورت محله‌ای از محلات آن درآمده است (همانجا).
ظاهراً در محل مسجد مشهور برائا پیش‌تر دیری برپا بوده که در ۳۷/۶۵۷م، هنوز در اختیار راهبی مسیحی قرار داشته است (نک: دنباله مقاله). داستان ابوشعیب برائی و همسر عابدش به عنوان اولین مسلمانان برائا بارها در منابع آمده است (نک: خطیب، ۴۱۹/۱۴؛ ابن جوزی، ۱۵۲/۹-۱۵۳).

تقدس مسجد نزد شیعیان به سبب وقوف حضرت علی (ع) در آن محل است؛ چه، بنابر روایات شیعی حضرت در بازگشت از جنگ نهروان در این محل نماز خوانده است. پاره‌ای از این روایات در بیان ماجرا به درازا رفته است و از گفت و گوی مفصل حضرت با راهب مسیحی و حتی اقامت ۴ روزه ایشان سخن گفته‌اند (برای نمونه، نک: شیخ طوسی، ۱۹۹-۲۰۰؛ راوندی، ۵۵۲/۲-۵۵۴؛ بحرانی، ۴۸۵/۱-۴۹۲؛ مجلسی، ۲۱۰/۱۴-۲۱۲). دقیقاً مشخص نیست از چه زمان در این مکان مسجد برپا شده است؛ در منابع متقدم تنها این حوقل (د پس از ۳۶۷ق) ساخت مسجد را به حضرت علی (ع) نسبت داده است (همانجا؛ قس: مجلسی، ۲۱۸/۵۲، که به فرمان حضرت در ساخت مسجد و نام‌گذاری آن اشاره دارد).

در اواخر سده ۳ و اوایل سده ۴ق این مسجد به پایگاه فعالیت‌های شیعیان بغداد تبدیل شده بود و افزون بر اعمال عبادی، محلی مناسب برای نشر احادیث شیعی بود (نک: دارقطنی، ۱۵۹؛ شیخ مفید، ۱۶۵؛ شیخ طوسی، ۲۶۹)؛ در ۳۱۳/۹۲۵م، به مقتدر عباسی خبر رسید که برپایی نماز تنها سرپوشی بر فعالیت آنان است و از همین رو به حکم مقتدر در یک روز جمعه که انبوه شیعیان در مسجد مشغول نماز بودند، مسجد با خاک یکسان شد و بسیاری از حاضران دستگیر شدند و زمین مسجد به گورستان پشت آن ملحق گشت (ابن جوزی، ۵۴/۱۴؛ خطیب، ۱۰۹/۱).

در ۳۲۸/۹۴۰م به دنبال درخواست شیعیان، یحکم ماکانی وزیر الراضی حکم به بازسازی و توسعه مسجد داد. بسیاری از زمینهای اطراف مسجد از جمله گورستان نزدیک آن خریداری شد و با فتوای فقها قبرهای بسیاری نبش و بقایای اجساد در جایی دیگر دفن گردید. در ساختمان مسجد گچ و آجر به کار رفت و سقف آن از چوب ساج منقوش ساخته شد و بر کتیبه مسجد نام خلیفه الراضی حک گردید. بازسازی مسجد در جمادی الاول ۳۲۹ به پایان رسید و با تعیین احمد بن فضل هاشمی، امام جماعت رصافه، به عنوان امام برائا از جانب خلیفه، اولین نماز جمعه در ۱۸ همین ماه با حضور انبوه بغدادیان و صاحب شرطه به صورت رسمی اقامه شد (صولی، ۱۳۶، ۱۹۲، ۲۸۵؛ خطیب، ۱۱۰/۱؛ همدانی، ۱۲۰/۱؛ ابن جوزی، ۵/۱۴).

پس از آن، تاریخ برائا با حوادث و درگیریهای متعددی پیوند خورده، و رونق آن تابعی از نفوذ سیاسی شیعه در بغداد بوده است؛ چنانکه در روزگار اقتدار آل بویه برائا اهمیتی فراوان یافت. اگرچه اصطخری در ۳۴۰/۹۵۱م تنها از ۳ مسجد برای برگزاری نماز جمعه یاد می‌کند و اشاره‌ای به برائا ندارد (نک: لسترنج، ۱۵۶، ۳۲۰)، اما به گزارش ابن اثیر (۵۳۳/۸)، در شعبان ۳۴۹/اکتبر ۹۶۰ که به علت وقوع درگیری میان اهل سنت نماز جمعه برای مدتی در دو بخش بغداد (شرقی و غربی) تعطیل شد، در برائا با امنیت کامل بدون وقفه اقامه می‌شد. از اوایل سده ۵ق از رونق مسجد برائا کاسته شد (همو، ۳۹۳/۹-۳۹۴؛ ابن کثیر، ۲۶/۱۲)، تا آنکه در ۴۵۰/۱۰۵۸م به تعطیل کشیده شد (نک: یاقوت، همانجا). سماعی (د ۵۶۲/۱۱۶۷م) در گزارش خود بیان می‌کند که به روزگار او به دستور خلیفه درهای مسجد بسته بود (۱۲۴/۲).

از بازسازی و بازگشایی مسجد تا سده ۱۰/۱۶ق و دست یافتن صفویان بر بغداد خبری در دست نیست، اما می‌دانیم که در اواسط سده ۸/۱۴ق، شهید اول در دیدار خود از بغداد، در مسجد برائا درنگی داشته، و آن را مسجدی پای برجایافته است (نک: ص ۱۵۵).

در طول تاریخ، برائا مورد توجه و عنایت بسیار شیعیان بوده است و بسیاری از بزرگان از این محله برخاسته‌اند (نک: سماعی، ۱۲۴/۲-۱۲۶؛ یاقوت، همان، ۵۳۳/۱-۵۳۴)، یا بنا به وصیت خود در این مسجد برپیکر آنها نماز خوانده، یا در برائا دفن شده‌اند (نک: صولی، ۸۳، ۲۴۹). از مشاهیر این کسان ابوالعباس ضَبّی وزیر است که پیکر وی از برائا به سمت کربلا تشییع شد (نک: یاقوت، ادبا، ۱۱۰/۲؛ امینی، ۱۵۱/۴). در فضیلت این مسجد سخن بسیار رفته است (نک: مجلسی، ۲۶/۹۹-۳۰؛ قس، ۴۸۸-۴۹۰) و از جمله فضایل این محل یا مسجد، وقوع ردالشمس برای حضرت علی (ع) را بر شمرده‌اند (نک: ارطبی، ۲۸۵/۱-۲۸۶؛ مجلسی، ۷۳/۴۱). در برخی روایات شیعی بجز حضرت امیر (ع)، برائا به عنوان جایگاه نماز حضرت مریم، حضرت عیسی و حتی حضرت ابراهیم (ع) معرفی شده است (نک: راوندی، ۵۵۳/۲-۵۵۴؛ مجلسی، ۲۱۱/۱۴-۲۱۲؛ نوری، ۴۳۰/۳). از همین روست که در منابع روایی امامیه و به تبع آن در منابع فقهی و کتب ادعیه، بر فضیلت نماز در این مسجد تأکید شده (حر عاملی، ۲۸۷/۵-۲۸۸؛ مجلسی، ۲۶/۹۹؛ نیز شهید اول، همانجا؛ قس، ۴۸۸)، چنانکه در مبحث اعتکاف، این مسجد از جمله ۶ مسجد خاص بوده است (کاشف الغطاء، ۳۳۵/۲).

گفتنی است که گاه برائا با مسجد دیگری با عنوان مشهد العتیقه (یا مشهد المنطقه) در جنوب شرقی شهر منصور میان کاظمین و جعفر کنونی خلط شده است؛ شاید پس از ویرانی برائا، شیعیان مشهد العتیقه را برائا نامیدند تا نام برائا از یادها محو نگردد (جواد، ۸۵، ۹۸).

علی بن حسن حسینی پیشینه برائا را در کتابی با عنوان تاریخ مسجد برائا بررسی کرده است (نجف، ۱۳۸۵/۱۹۶۵م) و محمد سماوی

نحاس، ۶۴/۲؛ شیخ طوسی، ۳۴۶/۹-۳۴۷؛ طبرسی، فضل، ۲۰۳/۲۳). مفهوم برادری در فرهنگ عرب صدر اسلام: مقارن با صدر اسلام، برادری میان دو نفر، به معنای وجود مشابهتهایی میان آنان، به همراه تعلقی اجتماعی برای همکاری و حمایت متقابل بوده است (نک: ثعالبی، ۱۵۴/۴؛ سیوطی، ۳۳۵/۲). در بعضی از نمونه‌ها مفهوم برادری در فرهنگ آن عهد در کنار دیگر انواع حمایت‌های اجتماعی قرار گرفته است (نک: معارج، ۱۱۷۰-۱۳؛ نک: نهج البلاغة، خطبه ۱۲۵؛ ابن جوزی، زاد...، ۳۷۹/۳). برادری در فرهنگ آن زمان، الزاماً تلازمی با صمیمیت و دوستی عمیق میان دو نفر نداشته است (نک: نهج البلاغة، حکمت ۱۵۸). شواهد بسیاری از عصر متقدم اسلامی در دست است که قرارداد برادری میان جنیان و فرشتگان با یکدیگر، میان ملایک، جنیان و حیوانات، اعضای یک قبیله یا عشیره و معتقدان به یک مسلک یا دین را منعکس می‌سازد (نک: آل عمران، ۱۵۶/۳؛ اعراف، ۲۰۲/۷؛ اسراء، ۲۷/۱۷؛ احقاف، ۲۱/۴۶؛ حشر، ۱۱/۵۹؛ نک: نهج البلاغة، حکمت ۲۸۹؛ طرابلسی، ۳۰۳/۱-۳۰۴؛ بخاری، ۲۹۲/۸؛ کلینی، ۳۹۴/۱؛ ابوعوانه، ۲۱۸/۱، ۲۱۹؛ طبرانی، ۸۵/۱۸؛ عجلونی، ۵۲/۲؛ سیوطی، ۷۶/۶، ۴۸۳). وجود نوعی خاص از پیوند برادری میان دو نفر، هیچ‌گاه سبب نادیده انگاشتن انواع دیگر برادری میان او و دیگران نمی‌شده، و شخص در آن واحد، خود را نسبت به همه برادران خویش وفادار می‌دانسته است. به همین سبب است که در زمان محاصره اقتصادی پیامبر (ص) و اصحابش در شعب ابی طالب، با استناد به برادرهای قومی میان مسلمانان و مشرکان، ابوطالب از قریش می‌خواهد که به محاصره برادران خویش پایان دهند (ابن اسحاق، ۱۶۰؛ حلبی، ۳۶/۲). به عبارت واضح‌تر، مسلمان بودن برادر، سبب نگشته است که حقوقش به فراموشی سپرده شود. از شواهد این مسأله، همان است که در قرآن کریم، پیامبران را حتی نسبت به اقوام طاغی و غیر مؤمن، برادر نامیده، و از طرف دیگر، آنها را نیز برادران پیامبران برشمارده است (برای نمونه، نک: ق/۳۲/۵۰؛ اعراف، ۶۵/۷؛ جم).

پیدا شدن مفهوم برادری دینی در فرهنگ صدر اسلام، زمینه‌ای کهن‌تر از ترویج برادری از سوی پیامبر اکرم (ص) در میان مهاجران و انصار، پس از هجرت به مدینه داشته است. از کهن‌ترین نمونه‌های کاربرد تعبیر برادری میان مسلمانان، تعبیر ناظر به برادری مسلمانان مکه با هم‌کیشانی در یثرب، در روزهای پیش از هجرت پیامبر (ص) و مسلمانان به آنجاست (ابن کثیر، البداية...، ۱۶۹/۳). این امر به خوبی نشان می‌دهد که از دید عرب آن زمان، کاملاً طبیعی بوده که افراد با هم‌کیشان خود برادر دانسته شوند.

از دیگر سو، به نظر می‌رسد مفهوم برادری دینی در فرهنگ اسلامی یک امر عارضی و بازتاب صرف فرهنگ عرب جاهلی نبوده، و در شمار اصلی‌ترین راهکارهای پیامبر (ص) محسوب می‌شده است (نک: رویانی، ۱۱۷/۲؛ مزی، ۳۸۷/۸؛ سیوطی، ۱۹۶/۶). از مهم‌ترین دغدغه‌های پیامبر (ص)، چگونگی برقراری عدالت اجتماعی در میان همه

ارجوزه‌ای در تاریخ برائا دارد که ضمن اشاره به نام راویان روایت مربوط به فضل برائا، موضع این دو مسجد را به طور دقیق مشخص کرده است (نک: خلیلی، ۲۱/۱، حاشیه ۱، نیز ۳۲، حاشیه ۱).

امروزه با توسعه شهر کاظمین، محله برائا به این شهر متصل، و در مغرب بزرگ‌راه بغداد کاظمین واقع شده است و مقام حضرت علی (ع) در قبله‌گاه مسجد قرار دارد.

مأخذ: ابن اثیر، الکامل؛ ابن جوزی، عبدالرحمان، المنتظم، به کوشش محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، ۱۴۱۲/ق/۱۹۹۲؛ ابن حوقل، محمد، صورة الارض، به کوشش کرامرس، لیدن، ۱۹۳۸؛ ابن کثیر، البداية؛ اربلی، علی، کشف الغمّة، بیروت، ۱۴۰۱/ق/۱۹۸۱؛ امینی، عبدالحسین، القدير، تهران، ۱۳۶۶؛ ش؛ بحرانی، هاشم، مدينة معاجز الائمة الانبياء عشر (ع)، قم، ۱۴۱۳؛ جواد، مصطفی و احمد سوسه، دليل خارطة بغداد المنفصل، بغداد، ۱۳۷۸/ق/۱۹۵۸؛ حر عاملی، محمد، وسائل الشیعة، قم، ۱۴۱۴؛ خطیب بغدادی، احمد، تاریخ بغداد، قاهره، ۱۳۴۹؛ خلیلی، جعفر، موسوعة العتبات المقدسة، قسم الکاظمین، بیروت، ۱۴۰۷/ق/۱۹۸۷؛ دارقطنی، علی، سؤالات حمزة بن يوسف السهمی، به کوشش موفق بن عبدالله بن عبدالقادر، ریاض، ۱۴۰۴/ق/۱۹۸۴؛ راوندی، سعید، الخرائج و الجرائع، قم، ۱۴۰۹؛ سمانی، عبدالکریم، الانساب، به کوشش عبدالرحمان معلی یسانی، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۳/ق/۱۹۶۳؛ شهید اول، محمد، ذکری الشیعة، ج سنگی، ۱۲۷۲؛ شیخ طوسی، محمد، الامالی، قم، ۱۴۱۴؛ شیخ مفید، محمد، امالی، به کوشش استاد ولی و غفاری، قم، ۱۴۰۳؛ صولی، محمد، الاوراق، اخبار الرازی بالله و المتقی لله، به کوشش هیروث دن، قاهره، ۱۹۳۵؛ طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، نجف، ۱۳۷۸؛ بی‌قیمی، عباس، مفاتیح الجنان، تهران، ۱۳۹۱؛ کاشف الغطاء، جعفر، کشف الغطاء، ج سنگی، تهران، ۱۳۷۱؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، ۱۴۰۳/ق/۱۹۸۳؛ نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم، ۱۴۰۷؛ همدانی، محمد، تکملة تاریخ الطبری، به کوشش آلبرت یوسف کنعان، بیروت، ۱۹۶۱؛ یاقوت، ادب؛ همو، بلدان یعقوبی، احمد، «البلدان»، همراه الاعلاى النفیسة این رسته، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۸۹۱؛ نیز:

Fraenkel, S., Die aramäischen Fremdwörter im Arabischen, Hildesheim, 1962; Le-Strange, G., Baghdad During the Abbasid Caliphate, Westport, 1983.

مریم صادقی

برادری، از مفاهیم رایج در فرهنگ اسلامی. این معنا نخست برای اشاره به برادران همخون به کار می‌رفته، و به تدریج در فرهنگ عرب جاهلی و پس از آن در فرهنگ اسلامی، کاربردهایی ثانوی یافته است.

از نگاهی مردم‌شناسانه، می‌توان گفت که از سویی به اقتضای نوع زندگی عرب جاهلی در خانواده‌های بزرگ و از دیگر سو، به دلیل کمبود شدید منابع حیاتی در منطقه جزیره العرب و نیاز ساکنان آن به حمایت افراد قبیله‌شان در تلاش برای بقا، نقش برادران خانواده بزرگ، یعنی افراد قبیله پررنگ می‌شده است. اگر از یاد نبریم که اقتضانات خانواده در آن محیط جاهلی، مستلزم گونه‌ای بی‌مهری به فرزندان بوده است (نک: انعام، ۱۳۷/۶، ۱۴۰، ۱۵۱؛ اسراء، ۳۱/۱۷)، دلیل پررنگ شدن هرچه بیشتر مفهوم برادری در مقایسه با دیگر مفاهیم مشابه همچون پدر و فرزندی بهتر شناخته می‌شود. شواهدی در دست است که نشان می‌دهد دست کم تا پیش از یک قرن پس از اسلام، هنوز معناهای ثانوی برادری با برادری خونی ارتباط تنگاتنگ داشته است (برای نمونه، نک: